

نقش ایران در نظام جدید آسیای مرکزی و جنوب غربی آسیا

□ نوشته: رؤیا منتظمی از دانشگاه پاریس

جمهوری‌های تادپروز سوسیالیستی صورت گرفته مانع دیگری از میان رفتن، یا دست کم تا اندازه زیادی از حدت و شدت آن کاسته شده است. پژوهشگران بر این عقیده‌اند که سقوط نظام‌های سیاسی کمونیستی و اقتصادی سوسیالیستی در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی یکی از مهمترین تحولات در نیمه دوم قرن معاصر به حساب می‌آید. مشخصه‌های دیگر این نیمه قرن عبارت است از اختراع سلاح‌های هسته‌ای که توسل به جنگ از سوی دولتهای بزرگ را عملاً غیر ممکن ساخته و همچنین آزاد شدن بیش از صد سرزمین مستعمره، تحت الحمايه و تحت قیمومت و کسب استقلال به وسیله مردم این سرزمین‌ها در قاره‌های آسیا و آفریقا و منطقه دریای کارائیب. در نتیجه این تحولات نظام سیاسی بین الملل شکل جدیدی به خود گرفته است.

امروزه در سالهای آخر قرن بیستم، دیگر دورانی که اختلافات و تعارضات میان چند دولت نیرومند اروپایی سبب آغاز جنگ جهان گیر دیگری مانند جنگهای اول و دوم جهانی گردد به پایان رسیده است. از يك سو، مرکز ثقل قدرت متعاقب جنگ جهانی دوم از قاره اروپا به پیرامون یعنی ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی منتقل گردید. از سوی دیگر، به علت پیدایش دولت‌های مستقل در آسیا و آفریقا خواه ناخواه چنین واحدهایی از آزادی عمل بیشتری در سیاستهای داخلی و خارجی خود برخوردار گردیدند.^۱

در حالی که این رویدادها به اصطلاح شکل و شمایل سیاسی کره ارض را دستخوش تغییر و دگرگونی ساخته، تحقیقات علمی نیز به نوبه خود ادامه داشته که از دستاوردهای آن به کار گرفتن تئوری عمومی سیستمها و مفهوم سیستم، خواه در سیاست بین الملل و خواه در رابطه با مسائل درون جامعه، می باشد. اگر در پایان جنگ جهانی دوم تعداد دولت‌های مستقل از ۶۰ تجاوز نمی کرد اکنون در سالهای آخر قرن بیستم ۱۷۵ کشور عضو سازمان ملل متحد هستند. در چنین شرایطی با استفاده از تئوری عمومی سیستمهاست که هم می توان میزانی از نظم و ترتیب در مطالعه روابط یا سیاست بین الملل برقرار کرد و هم به جای تمرکز توجه به مطالعه سیاست خارجی دولتهای بزرگ، خصوصیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روابط خارجی دولتهای واقع در مناطق مختلف جغرافیایی را مورد بررسی قرار داد. هنگامی که سخن از مفهوم سیاست به میان می آید منظور مجموعه‌ای از متغیرهاست که در حال کنش و واکنش یا تعامل با یکدیگرند. در سیاست بین الملل و نظامهای تطبیقی می توان دو گونه سیستم را مشخص کرد:

۱- کل سیستم سیاسی بین المللی که شامل تمام بازیگران^۲ دولتی^۳ و غیر دولتی^۴ می گردد.

۲- سیستمهای تابع در مناطق مختلف جغرافیایی کره زمین. در سیستم بین المللی، غیر از بازیگران اجزای دیگر سیستم سیاسی عبارتند از:

ساختار^۵، که به معنای توزیع قدرت در سیستم سیاسی بین المللی است. گونه‌های مختلف توزیع قدرت در سیستم با عناوینی مانند دو قطبی، چند قطبی، سلسله مراتبی، موازنه قوا مشخص می شود. جزء دیگر مفهوم سیستم سیاسی بین المللی فرایند^۶ است که در واقع ابزارهای سیاست خارجی مانند دیپلماسی، تبلیغات، حربه‌های اقتصادی، و اقدامات پنهانی را شامل می شود. بالاخره هر سیستمی دارای محیطی^۷ است که در حال تعامل با آن قرار دارد. محیط سیستم بر اساس قرارداد شامل تغییرات دموگرافیک، تکنولوژیک و فرهنگی می شود،

□ «شاه اسماعیل در فاصله سالهای ۱۵۱۱ و ۱۵۱۲ به اوج قدرت خود رسید. او سرزمین‌هایی را که طی ۱۲ سال از آغاز قرن ۱۶ به دست آورده بود، با عهده‌دار شدن وظیفه «نگهبان دروازه‌های آسیای جنوب غربی» در مقابل استهبای اوراسیا رونق بخشید. دو هزار سال تاریخ گواهی داده بر اینکه نگهبانی مؤثر این دروازه‌ها بارها برای نگهبانانش عنوان فرمانروا (یا به هر حال قدرت برتر) را در منطقه‌ای از جنوب تا اقیانوس هند و از غرب تا مدیترانه به بار آورده است. مادها این عنوان را با پس زدن سکاها به دست آوردند. در مقاطع زمانی دیگری هخامنشیان با بیرون نگهداشتن ماساژت‌ها، امویان با پس زدن اقوام ترک نژاد و عباسیان با بیرون نگهداشتن ترک‌ها، تیمور لنگ با پس زدن مغولها، نگهبانان همین دروازه‌ها بودند. اینان هر چند از قدرتی مشابه کوروش یا تیمور لنگ برخوردار نبودند و بر سرزمین‌های کوچک تری حکومت می کردند، اما به نوبه خود پاسداری از دروازه‌های آسیای جنوب غربی را به عهده داشتند. در زمستان ۱۵۱۲-۱۵۱۱ ردای شاهنشاهی که پادشاه این نگهبانی بود و آخرین بار در يك قرن پیش بر قامت تیمور رفته بود، در نتیجه يك قرارداد با مزایای مشترك بین بنیانگذار سلسله صفوی و آخرین بازمانده تیموریان، «بابر»، بر شانه‌های شاه اسماعیل فرود آمد.»^۸

محتوای سطور فوق و نیز تحولاتی که در دو سه سال اخیر در منطقه صورت گرفته، مسئولیت عظیم و در عین حال رسالتی تاریخی را که به صورت غیر منتظره بر دوش دولتمردان ایران قرار گرفته، روشن می‌سازد. این چند جمله که از نوشته محقق بزرگ انگلیسی نقل شد، در واقع نشان دهنده همانندی‌هایی میان وضع دولت جمهوری اسلامی ایران و وضع پادشاهان ماد، کوروش کبیر و دیگر فرمانروایان ایران در قرون بعدی به عنوان نگهبان دروازه سرزمین‌هایی است که در جنوب جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی قرار دارد. تاریخ بار دیگر امکان سیادت بر منطقه پهناوری را که از سواحل اقیانوس هند تا دریای مدیترانه کشیده شده است، در اختیار ایرانیان می‌گذارد.

اگر چند مورد مانند وحدت سیاسی آلمان، دگرگونی روابط ایالات متحده و آن امپراتوری که تا چندی پیش اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی خوانده می شد و فروپاشی نظامهای کمونیستی در اروپای مرکزی و شرقی را کنار بگذاریم، مسلماً هیچ کشوری به اندازه ایران از جهات مختلف از رویدادهای سالهای اخیر در مرزهای شمالی تأثیر نپذیرفته است. کسب استقلال توسط جمهوری‌های سوسیالیستی دیروزی سبب شده است که ایران به جای فقط يك دولت، با کشورهای آذربایجان، ارمنستان، ترکمنستان، قزاقستان و روسیه مرزهای زمینی یا دریایی پیدا کند و صرف همین نکته، مجموعه‌ای از مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک را مطرح می‌سازد. تاریخ قرنهای گذشته نشان می‌دهد که مردم ایران پیوندهای تاریخی، فرهنگی و هنری بسیار عمیق و کهن با مردمی که اکنون ساکن جمهوری‌های واقع در شمال شرقی ایران هستند، یعنی تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان، داشته‌اند و دو عامل یکی بعید و دیگری قریب در ۳۰۰ سال اخیر مانع توسعه بیشتر این پیوندها گردیده است. عامل بعید، اختلاف میان پیروان مذاهب شیعه و سنی در زمان پادشاهان صفوی، و عامل قریب، استقرار رژیم کمونیستی در جمهوری‌های مسلمان نشین آسیای مرکزی متعاقب انقلاب بلشویکی در این جمهوری‌ها بوده است. خوشبختانه اکنون از يك طرف در نتیجه تعقیب سیاستی مدبرانه، از سوی برخی زمامداران کشورهای اسلامی از اختلافات مذهبی کاسته شده و از طرف دیگر با بی‌اعتبار شدن کمونیسم و لنینیسم و تحولاتی که در این

مفهوم سیستم تابع

پژوهشگران مجموعه‌ای از ضوابط را برای تشخیص سیستمهای تابع که کل آنها سیستم بین‌الملل را تشکیل می‌دهد، در نظر می‌گیرند:

۱- هر کشور می‌تواند تنها عضو یک سیستم تابع باشد. در موارد بسیار استثنایی، مانند افغانستان، ترکیه و برمه، کشوری ممکن است یک یا در یک سیستم و پای دیگر در سیستم دیگر داشته باشد. مثلاً افغانستان هم در سیستم تابع آسیای جنوبی و هم در سیستم تابع خاورمیانه است.

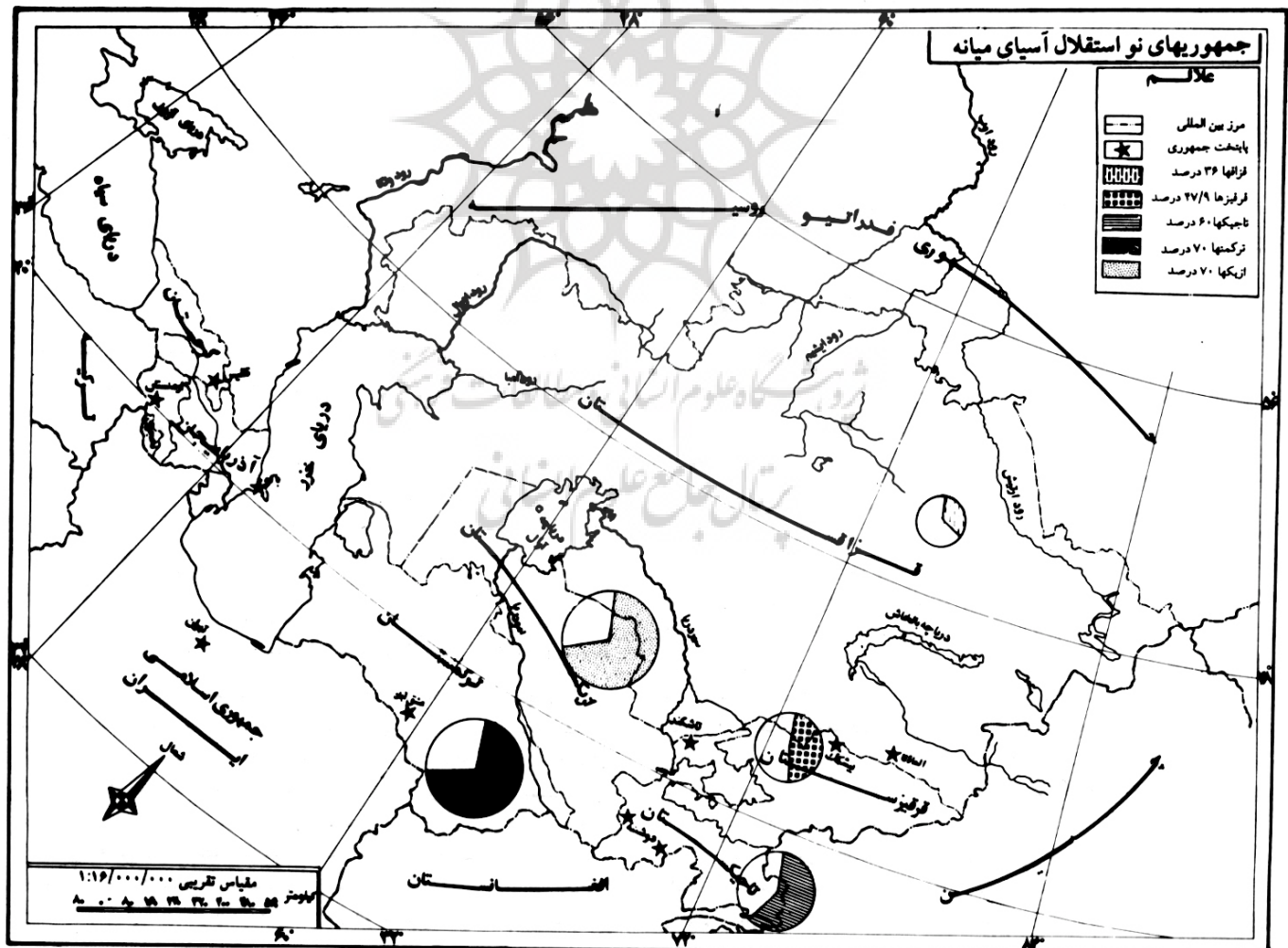
۲- عوامل جغرافیایی در شکل‌گیری یک سیستم از اهمیت خاصی برخوردار است. البته لزومی ندارد کشورهای عضو یک سیستم تابع در همسایگی یکدیگر قرار گرفته باشند، ولی در عین حال نباید از هم خیلی دور باشند.

۳- در گستره جغرافیایی یک سیستم تابع تعاملات بسیار پیچیده‌ای میان عوامل سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی به چشم می‌خورد. در واقع این تعاملات بیش از هر نکته دیگر در تشخیص و تعیین محدوده یک نظام تابع اهمیت دارد. برای مثال مرزهای درجه اول سیاسی و ایدئولوژیک تا دیروز اروپای شرقی را از اروپای غربی جدا می‌ساخت و مرزهای سیاسی و اجتماعی آمریکای لاتین را از آمریکای شمالی جدا می‌کند.

۴- روابط سیاسی منطقه‌ای خواه به صورت دوستانه یا خصمانه، عوامل جغرافیایی، سوابق اجتماعی و تاریخی به نوبه خود نقشی در شکل‌گیری سیستم تابع دارند. با توجه به این ملاحظات است که قاره آفریقا به چند سیستم تابع تقسیم می‌گردد.

علاوه بر سیستم سیاسی بین‌المللی که به معنای واقعی جهانی می‌باشد، در سه دهه اخیر، در نتیجه مستقل شدن بسیاری از سرزمینها در نواحی مختلف جغرافیایی که در بالا به آنها اشاره شد، برخی از پژوهشگران به این فکر افتادند که سیستم سیاسی بین‌المللی را با استفاده از معیارهایی به تعدادی سیستمهای تابع^۱ تقسیم نمایند. شماره این سیستمهای تابع از دید یک پژوهشگر با شماره سیستمهای تابع از دید پژوهشگر دیگر ممکن است فرق کند. کاملترین توصیف از سیستمهای تابع مختلف توسط دو محقق آمریکایی^{۱۰} در سال ۱۹۷۰ صورت گرفته است. این دو پژوهشگر سیستم سیاسی بین‌المللی را به ۱۵ سیستم تابع تقسیم می‌کنند. برای مثال قاره آمریکا شامل دو سیستم تابع و قاره آفریقا شامل ۵ سیستم تابع می‌گردد. سایر سیستمهای تابع در قاره اروپا^{۱۱}، خاورمیانه^{۱۲} آسیای جنوبی^{۱۳}، آسیای جنوب شرقی^{۱۴} و منطقه پاسیفیک^{۱۵} قرار دارد.

در این تحقیق هدف این است که نشان داده شود در نتیجه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نه فقط سیستمهای تابع اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی از میان می‌رود، بلکه امکان شکل‌گیری و به وجود آمدن سیستم تابع جدیدی مرکب از بخشی از بقایای شوروی سابق و کشورهای ایران و ترکیه که در پیرامون سیستم تابع خاورمیانه واقع شده‌اند و افغانستان و پاکستان که در پیرامون سیستم تابع آسیای جنوبی قرار دارند، اکنون به صورت جدی مطرح گردیده است: سیستم تابعی که منطقه بهناوری از دریای مدیترانه تا اقیانوس هند را دربر می‌گیرد. با توجه به سوابق تاریخی و تعاملات و رویدادهایی که در حال حاضر شاهد آنها هستیم، شکل‌گیری چنین سیستم تابعی تقریباً اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. قبل از اینکه دلایل خود را در این زمینه ارائه کنیم، باید مفهوم سیستم تابع و خصوصیات آن روشن گردد.



این نقشه که موقعیت جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی را نشان می‌دهد، در نشریه «سپهر» چاپ شده است.

برشش هائی مطرح می گردد که نیاز به بررسی دارد و عبارت است از: اول، چه دولتهایی در مرکز و چه کشورهایی در پیرامون سیستم تابع جدید قرار خواهند گرفت و روابط متقابل آنها چگونه خواهد بود؟ دوم، چه دولتهایی خارج از این سیستم تابع، در تحولات این نظام ذینفع بوده اند و ممکن است نقش کم و بیش فعالی در جریانات آن ایفا کنند؟ سوم، خط مشی کلی دولت جمهوری اسلامی با توجه به موقعیت بسیار مهم استراتژیک جغرافیایی کشور در قبال سایر دولتهای عضو و دولتهای مداخله گر چه باید باشد؟ برای پاسخ دادن به سوال اول لازم است مفاهیم متغیرهای الگویی^{۱۷} که براساس آنها کشورهای مرکز از پیرامون در یک سیستم تابع متمایز می گردند، بررسی شود. متغیرهای الگویی عبارت است از:

۱. ماهیت و سطح انسجام^{۱۸}
۲. ماهیت ارتباطات^{۱۹}
۳. سطح قدرت^{۲۰}
۴. ساختار روابط^{۲۱}

متغیر الگویی: «یک مقوله عمومی تلقی می شود که چندین عامل خوشاوند را به یکدیگر پیوند می دهد». برای مثال متغیر الگویی انسجام، عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و سازمانی را به یکدیگر پیوند می دهد. متغیر الگویی قدرت عوامل مادی، نظامی و انگیزه ای را با یکدیگر مرتبط می سازد. با توجه به این ۴ متغیر الگویی و تعریفی که در بالا از مفهوم سیستم تابع به عمل آمد هر سیستم تابع از سه بخش مرکز، پیرامون و مداخله گر تشکیل می شود که هر بخش ممکن است یک یا چند دولت را دربرگیرد.

متغیرهای الگویی چندگانه ما را قادر می سازد که بخش مرکزی را به صورت زیر تعریف کنیم: «بخش مرکز عبارت از یک یا تعدادی از دولتهاست که از یک منطقه جغرافیایی خاص هسته مرکزی روابط بین الملل را تشکیل می دهند». بخش مرکز معمولاً از بیش از یک دولت تشکیل می شود و این دولتها دارای سوابق یا فعالیتهای اجتماعی، سیاسی و سازمانی مشترک می باشند.

بخش پیرامون یک سیستم تابع، شامل تمام دولتهاییست که به واسطه عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی از دولتهای بخش مرکز متمایز گردیده و با این همه نقشی در روابط یا سیاست بین الملل منطقه ای دارد. بخش مداخله گر از لحاظ جغرافیایی در قلمرو سیستم تابع قرار ندارد. برای مثال، در سیستم تابع خاورمیانه به فرض اینکه وضع مانند سابق ادامه یابد، تعدادی از کشورها، مانند مصر، عربستان سعودی... در مرکز و برخی دیگر در پیرامون قرار گرفته اند. دولتهای مداخله گر عبارتند از انگلستان، فرانسه، آلمان، ایالات متحده، ژاپن و روسیه.

اگر این تعاریف را راهنمای خود قرار دهیم، دولتهای ایران، افغانستان، تاجیکستان و تا اندازه ای پاکستان از یک سو و دولتهای ترکیه، جمهوری های ترک زبان آسیای مرکزی و آذربایجان از سوی دیگر می توانند بخش مرکز را تشکیل دهند. به خصوص اینکه در مواردی امکان وجود دو بخش مرکزی را نمی توان از نظر دور داشت. لیکن با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران که در قلب این سیستم تابع قرار دارد، شاید مناسب تر باشد که ایران، افغانستان، تاجیکستان و پاکستان را در مرکز، و کشورهای ترکیه و جمهوری های ترک زبان و ارمنستان و گرجستان را در پیرامون قرار دهیم. البته قرار دادن تعدادی از کشورها در مرکز و تعدادی دیگر در پیرامون به این معنا نخواهد بود که لزوماً روابط این دو گروه خصومت آمیز باشد. به هر روی، بازیگران اصلی در این سیستم تابع دو کشور ترکیه و ایران خواهند بود که اگر خطی در نظر گرفته شود که در یک سوی آن روابط خصومت آمیز و در سوی دیگر روابط همکاری قرار داشته باشد، در حال حاضر وضعی میانی یعنی رقابت میان دو دولت در قبال کشورهای آسیای مرکزی به چشم می خورد. آینده به ما نشان خواهد داد که رقابتها میان دو دولت و ملت در قبال مناطق فوق الذکر بیشتر شکل تعارض و ستیز به خود خواهد گرفت یا معاضدت و همکاری. گردهمایی عشق آباد در نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۷۱، منجر به تشکیل سازمانی به نام سازمان همکاری

مطالب بالا را می شود به این صورت خلاصه کرد که یک سیستم تابع عبارت است از یک، دو یا چند دولت که در نزدیکی یکدیگر قرار گرفته اند و در حال تعامل با یکدیگر هستند. به علاوه، پیوندهای مشترکی از نظر قومی، زبانی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی با یکدیگر دارند و در برخی موارد حس هویت مشترک آنها به علت مداخله قدرتهای خارج از منطقه افزایش می یابد. با توجه به اینکه ادعای اصلی ما در این تحقیق این است امکان شکل گیری سیستم تابع جدیدی مرکب از کشورهای پیرامونی سه سیستم تابع خاورمیانه، اتحاد جماهیر شوروی سابق و آسیای جنوبی بسیار زیاد می باشد، پس باید خصوصیات این سه سیستم تابع، دولتهای عضو آنها، و این نکته را که کدام کشورها می توانند اعضای احتمالی این سیستم در حال تکوین باشند، مورد بررسی قرار داد.

در مورد سیستم تابع شوروی می توان گفت در حالی که در گذشته مسائل ایدئولوژیک در درون جمهوری های عضو این سیستم تابع از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده، اکنون با بی اعتبار شدن کمونیسم از لحاظ ایدئولوژیک، یکپارچگی میان این جمهوری ها از میان رفته است. در ۱۵ جمهوری تشکیل دهنده شوروی سابق به جز سه جمهوری روسیه، روسیه سفید و اوکراین که از نظر نژادی، زبانی، مذهبی و سوابق تاریخی با هم مشترکاتی دارند، بقیه جمهوری ها به واسطه ایدئولوژی کمونیسم و نظام اقتصادی سوسیالیستی با یکدیگر مرتبط بوده اند و اکنون که این نظام از هم پاشیده، همان طور که سه کشور بالتیک تمایل بیشتری برای ایجاد روابط اقتصادی، بازرگانی، فرهنگی با غرب از خود نشان می دهند، جمهوری های تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان و همچنین جمهوری های واقع در منطقه قفقاز در عین حال که قادر نیستند روابط اقتصادی و بازرگانی خود را با جمهوری های اسلاو در چارچوب دول مشترک المنافع برای دهه های آینده قطع کنند، با توجه به سوابق تاریخی و فرهنگی و جغرافیایی کم و بیش در راه توسعه روابط گوناگون خود با ایران هستند. بنابراین، این کشورها از یک طرف جزو کشورهای پیرامون سیستم تابع جدید اسلاو و از طرف دیگر اعضای سیستم تابعی که در فلات ایران در حال شکل گیری می باشد خواهند بود.

در سیستم تابع آسیای جنوبی، کشور هند در مرکز و تعدادی از کشورها^{۱۶} از جمله افغانستان و پاکستان در پیرامون قرار دارند. روابط دوستانه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میان ایران و پاکستان از بدو تأسیس آن کشور در سال ۱۹۴۷ و همچنین سوابق مشترک تاریخی، فرهنگی و زبانی میان دولتهای ایران و افغانستان، این دو کشور را به صورت نامزد های بسیار مناسبی برای عضویت در سیستم تابع جدید که موقتاً نام آن را سیستم تابع «فلات ایران» می گذاریم در می آورد.

در سیستم تابع خاورمیانه، کشورهای عربی منطقه از مصر تا سواحل شرقی خلیج فارس در مرکز و سه کشور ایران، ترکیه و اسرائیل در پیرامون قرار گرفته اند. اگر به این سیستم دقیقتر بنگریم می بینیم کشورهایی که در مرکز این سیستم تابع قرار دارند ۹۰٪ مسلمان سنی و ۹۹٪ از نژاد سامی هستند و کم و بیش فرهنگ، تاریخ و میراث مشترک دارند. این دولتهای مرکزی از سه دولت پیرامونی مذکور در فوق به واسطه عوامل مختلفی متمایز هستند. با ایران و ترکیه از نظر نژاد و زبان متفاوتند و با اسرائیل گرچه مردمشان هر دو از نژاد سامی هستند و پایه زبانشان مشترک است ولی از لحاظ مذهب فرق دارند.

تحلیل و بررسی سه سیستم تابع یاد شده در بالا نکته بسیار مهمی که در عین حال هسته اصلی بحث ما دایر بر شکل گیری یک سیستم تابع جدید را تشکیل می دهد روشن می سازد. به عبارت دیگر، تمام اعضای احتمالی سیستم تابع در حال تشکیل بدون استثناء دولتهای پیرامونی سه سیستم تابع شوروی سابق، جنوب آسیا و خاورمیانه هستند. بنابراین حداکثر تعداد دولتهایی که می توانند عضو این سیستم تابع جدید گردند عبارتند از: پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، ایران، ترکیه، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان. هر چند که قرار دادن دو کشور اخیر الذکر در نظام تابع می تواند محل تردید باشد. اکنون که شکل و شمایل این سیستم تابع در حال تشکیل برای ما روشن شد

چند به برنامه‌های صدای آمریکا و صدای آزادی که به گویشهای ترکی مختلف - آذری، ترکمن، ازبک، قرقیز و قزاق - و همچنین زبانهای تاجیکی، ارمنی و گرجی بخش می‌شود توجه کنیم تا میزان علاقه دولت و مؤسسات اقتصادی ایالات متحده برای ما روشن گردد. در رابطه با رخنه دولتهای غربی در جمهوری‌های آسیای مرکزی گفته می‌شود که دولت ترکیه که خود عضو سیستم تابع جدید است به عنوان نماینده و پیش قراول دولتهای غربی در این جمهوری‌ها عمل می‌کند.

پاسخ به سؤال سوم، که در عین حال پایان پژوهش ما محسوب می‌شود، نیاز به تأمل و تعمق و تفکر وسیعی دارد. می‌توان نتیجه گرفت که تقریباً به طور مسلم سیستم تابع جدیدی در قسمتی از منطقه آسیای مرکزی و آسیای جنوب غربی در حال شکل‌گیری است. به جرات می‌توان گفت که با توجه به سوابق تاریخی، فرهنگی و عامل جغرافیایی، کشور ایران می‌تواند موقعیت مرکزی و حساس را در این سیستم تابع حائز گردد. فعالیت‌های گوناگون دیپلماتیک در طول سال جاری، و سخنان رئیس‌جمهور در این زمینه که دال بردرک موقعیت حساس و استراتژیک کشور ایران در منطقه است، مؤید نظر ما می‌باشد. در این رابطه دو مسئله یکی اصلی و دیگری تبعی مطرح می‌گردد که هر دو از اهمیت خاصی برخوردار است. مسئله اصلی این است که پیروی از چه خط‌مشی یا سیاستی توسط مقامات کشور ما در قبال جمهوری‌هایی که تا دیروز در چارچوب اتحاد جماهیر شوروی بوده‌اند مناسب‌تر است؟ با توجه به تمام شرائط و اوضاع و احوال، کم‌ترین حد مداخله به هر شکل و مناسبت، در مسائل داخلی این جمهوریها، همراه با تقویت روابط فرهنگی اقتصادی و ارتباطی توصیه می‌شود. در مورد مسئله تبعی، عطف توجه دولت جمهوری اسلامی ایران به جمهوری‌های آسیای مرکزی نمی‌تواند و نباید - آگاهانه یا ناخواه آگاه - سبب بذل توجه کمتری به جریان‌های خاورمیانه و شمال آفریقا بشود و در حال حاضر نشانه‌هایی ولو به صورت ابتدایی در این زمینه به چشم می‌خورد. البته این اظهار نظر شامل منطقه خلیج فارس و دریای عمان که از لحاظ استراتژیکی و اقتصادی واجد اهمیت درجه اول برای ایران می‌باشد، نمی‌شود.

□□□

کشورهای حوزه دریای خزر^{۲۲} شد. عضویت^{۲۳} جمهوری‌های آسیای مرکزی در سازمانی که قبلاً محدود به ایران، ترکیه و پاکستان - اکو - می‌گردید، انعقاد قرارداد‌های مختلف میان دولتهای عضو سیستم تابع ما، سفرها و دید و بازدیدهای دیپلماتیک^{۲۴}، بخش برنامه‌های تلویزیونی^{۲۵} همه و همه دلالت بر شکل‌گیری سیستم تابع جدید دارد.

پاسخ سؤال دوم، تعریفی دقیق از سیستم یا بخش مداخله‌گر را که خواه و ناخواه مرکب از یک یا چند دولت است، ایجاد می‌کند. یک سیستم مداخله‌گر عبارت است از یک یا چند دولت خارج از حدود و ثغور سیستم تابع که نقش کم و بیش فعالی از لحاظ سیاسی، نظامی و اقتصادی در روابط بین‌المللی این سیستم با آن سیستم تابع دارند.

با توجه به اهمیتی که سیستم تابع جدید از لحاظ سوق‌الجیشی و اقتصادی دارد و در واقع می‌توان آن را به قلب زمین تشبیه کرد، قاعدتاً تعدادی از دولتها نمی‌توانند به جریان امور در این سیستم تابع از نزدیک علاقه‌مند نباشند. این کشورها را می‌توان در چند گروه طبقه‌بندی کرد:

در گروه اول، دو کشور چین و روسیه قرار می‌گیرند که به سبب همجواری با بعضی از جمهوری‌های عضو اتحاد جماهیر شوروی سابق و نیز ملاحظات قومی و نژادی، علاقمند به تأثیرگذاری بر تحولات در درون سیستم تابع می‌باشند.

در گروه دوم، دولتهای عربستان سعودی و هندوستان قرار می‌گیرند که اولی به سبب ملاحظات مذهبی و تحمل مخارجی بیش از ۳۰ میلیارد دلار در جنگهای افغانستان، تمایل شدید به گسترش دین اسلام - البته تعلیمات فرقه وهابی - در این سیستم تابع که اکثریت آنها مسلمان و سنی هستند دارد. در حالی که ملاحظات مربوط به موازنه قوا، کشور هند را به تحولات و سرنوشت این سیستم تابع علاقمند می‌سازد.

در گروه سوم، کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری غرب و ایالات متحده قرار می‌گیرند که ملاحظات گوناگون بخصوص اقتصادی سبب توجه حکومتها و مؤسسات اقتصادی این کشورها به سیستم تابع در حال شکل‌گیری بخصوص در جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌گردد. کافی است که ساعتی

□ زیر نویس ها

1) Study of History, Arnold Toinbey, p. 376- 377

(۲) درحالی که در سال ۱۹۴۵ تنها ۴ دولت مستقل (مصر، اتیوپی، لیبیا، آفریقای جنوبی) در قاره آفریقا وجود داشت اکنون ۵۲ دولت مستقل این قاره را می‌پوشاند. یا اینکه در منطقه آسیای جنوبی در سال ۱۹۴۵ تمام این منطقه تحت تسلط انگلستان قرار داشت و هیچ دولت مستقلی به چشم نمی‌خورد، لیکن پس از جنگ دوم جهانی تا امروز ما شاهد استقلال سرزمینهایی که اکنون پاکستان، هندوستان، بنگلادش، بوتان، نپال، سریلانکا و مجمع الجزایر مالدی خوانده می‌شوند می‌باشیم. وضع مشابهی در سایر مناطق جغرافیایی جهان مانند آسیای جنوب خاوری و جنوب غربی اقیانوس کبیر و دریای کارائیب به چشم می‌خورد.

- 3) Actors
- 4) State Actors
- 5) Man State Actors
- 6) Structure
- 7) Process
- 8) Environment
- 9) Subordinate System

(۱۰) پژوهشگرانی که از اعتبار بیشتری برخوردارند عبارت‌اند از:

The International Politics of Region, Steven L. Speigel & Louis G. Cantori

Leonard Binder «The Middle East as a Subordinate International System», World Politics X pp. 408- 429.

- Michael Brecher, «International Relations & Asian Studies: The Subordinate State System of Southern Asia», World Politics, XV pp. 213-235.

- George Modelski «International Relations & Area Studies: The Case of Southeast Asia International Relation», II pp. 148.

۱۱) سه سیستم تابع

(۱۲) يك سیستم تابع

(۱۳) يك سیستم تابع

(۱۴) يك سیستم تابع

(۱۵) يك سیستم تابع

(۱۶) سیلان، نپال، بوتان، افغانستان، مجمع‌الجزایر مالدیو، پاکستان و برمه.

17) The Pattern Variable

18) The Nature and Level of Cohesion

19) The Nature of Communication

20) The Level of Power

21) The Structure of Relations

(۲۲) اطلاعات ۷۰/۱۱/۲۹.

(۲۳) در اجلاس اکو در تاریخ ۷۰/۱۰/۲۸ کشورهای عضو، با عضویت جمهوری‌های آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان موافقت کردند.

(۲۴) انعقاد قرارداد احداث راه آهن مشهد - عشق‌آباد میان ایران و ترکمنستان.

امضای قرارداد احداث راه آهن بین تهران و دوشنبه (اطلاعات ۷۰/۳/۱۱).

توافقنامه‌هایی در جهت فعال کردن مرزهای باجگیران و پایگاه پل میان ایران و ترکمنستان و تبدیل آن به یک گذرگاه بین‌المللی و برقراری عبور و مرور کالا و مسافریین میان دو جمهوری امضا شد. (اطلاعات ۷۱/۱/۲۷).

انعقاد قرارداد احداث راه آهن تاشکند مشهد میان ایران و ازبکستان.

توافقیهای میان ایران و آذربایجان در مورد راههای مواصلاتی (اطلاعات ۷۰/۱۱/۲۸).

(۲۵) دیدار رئیس‌جمهور ایران و معاون رئیس‌جمهور ترکمنستان (اطلاعات ۷۰/۱۱/۲).

سفر رئیس‌جمهور به عشق‌آباد (اطلاعات ۷۱/۲/۱۴).

سفر وزیر اطلاعات و مطبوعات قزاقستان به ایران.

نشست وزیران راه کشورهای مسیر «جاده ابریشم» (اطلاعات ۷۱/۲/۵).

مذاکره تلفنی نخست‌وزیر پاکستان با رئیس‌جمهور کشورمان درباره افغانستان (اطلاعات ۷۱/۲/۳).